

مقدمه

آثار ادبی آیینی اندیشه‌ها و باورهای عمیق نویسندگان و شاعران و گواه تجربه‌ها و ژرف‌اندیشی‌های ملت‌هاست. مطالعه‌ی تاریخ ادبیات ایران و جهان به خواننده امکان می‌دهد تا با سیر تحوّل و تطوّر اندیشه‌ها و جریان‌های فکری و ادبی آشنا شود و در زندگی خود به‌طور عملی و کاربردی از آن‌ها بهره‌برگیرد.

برنامه‌ی درسی زبان و ادبیات فارسی در میان برنامه‌های درسی موجود جایگاهی بس ارزشمند دارد؛ زیرا از یکسو حافظ ارزش‌های فرهنگی – دینی و از دیگر سو مؤثرترین ابزار انتقال ذوق و اندیشه‌ی بشری است.

بر اساس مصوبات شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های زبان و ادبیات دوره‌ی متوسطه، مقرر شد کتاب تاریخ ادبیات ایران ۱ و ۲ مورد تجدیدنظر قرار گیرد و بازسازی شود. اعضای شورا بر این نکته تأکید داشتند که کتاب موجود با معیارهای آموزشی متناسب نیست اما محتوا و ساختار موضوعی آن ارزش و اعتبار زیادی دارد. هم‌چنین طبق مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، لازم بود یک واحد تاریخ ادبیات جهان نیز به کتاب فعلی افزوده شود؛ بنابراین، کتاب حاضر با عنوان «تاریخ ادبیات ایران و جهان (۲)» برای سال سوم متوسطه سازمان‌دهی و تنظیم شد.

این کتاب دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر است که امیدواریم همکاران محترم قبل از تدریس کتاب، به آن‌ها توجه کنند:

۱- کتاب در دو قسمت با عنوان «تاریخ ادبیات ایران» و «تاریخ ادبیات جهان» تنظیم شده است. قسمت اول هیچ‌جهده درس و قسمت دوم شش درس را شامل می‌شود که براساس بخشنامه‌ی بارم‌بندی در نوبت اول و دوم درس‌هایی از هر دو قسمت تدریس خواهد شد.

۲- عنوان بخش‌های تاریخ ادبیات ایران بر مبنای کتاب قبلی است اما به منظور روشن‌شدن محدوده‌ی هر جلسه‌ی تدریس، کل کتاب در بیست و چهار درس تنظیم شده است.

۳- در ابتدای هر بخش تاریخ ادبیات ایران، مطالبی کلی تحت عنوان «درآمدی بر» گنجانده شده که مقدمه‌ای بر درس‌های همان بخش است.

۴- در پایان هر درس خودآزمایی‌هایی نمونه طرح شده است که ضرورت دارد در ارزش‌یابی کلاسی و پایانی مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر این، به منظور ایجاد زمینه‌های بحث و گفت‌وگو در کلاس تعدادی خودآزمایی نمونه در پایان هر بخش گنجانده شده که سطح آن‌ها با خودآزمایی‌های هر درس متفاوت است.

این خودآزمایی‌ها به گونه‌ای طرح شده‌اند که دانش و فهم دانش‌آموزان را در سه سطح کلی دانش، فهم و تحلیل و تحقیق مورد ارزیابی قرار می‌دهند. در طرح سؤال باید به این نکته توجه شود.

۵- درس‌های تاریخ ادبیات جهان، بر مبنای مکاتب ادبی مشهور اروپا تنظیم و تدوین شده است.

۶- در پایان کتاب، فهرست منابع و مآخذ تکمیلی معرفی شده است. دبیران محترم می‌توانند در حد امکان از این منابع برای هرچه فعال‌تر شدن کلاس‌ها استفاده کنند.

۷- از همکاری و تلاش اعضای محترم کمیته‌ی تاریخ ادبیات فریدون اکبری شلدره‌ای، دکتر نصرت‌الله محبی، احمد عزتی‌پرور و محمود کاظمی که در تجدید نظر و بازسازی کتاب و تهیه‌ی پاسخ‌نامه‌ی خودآزمایی‌ها حضور فعال داشته‌اند، قدردانی می‌گردد.

شیوه‌های مطلوب تدریس کتاب

۱- برای تدریس این کتاب، بهتر است از شیوه‌های فعال مانند بحث گروهی و مطالعه‌ی انفرادی (تحقیق) استفاده شود. به‌کارگیری وسایل کمک‌آموزشی از قبیل تصویر، نوار صوتی، فیلم و کتاب‌های جنبی نیز موجب تنوع و تسهیل آموزش خواهد بود.

۲- برای فعال‌شدن کلاس، می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا به معرفی چهره‌های ادبی مطرح‌شده در هر درس بپردازند.

۳- گفت و گو و تبادل نظر در کلاس یکی از اهداف مهم آموزش زبان و ادبیات فارسی است که باید به آن توجه شود و از شیوه‌ی سخنرانی یک طرفه و ارتباط یک‌جانبه پرهیز گردد.

۴- برای معرفی چهره‌های شاخص ادبی، ابتدا جریان‌های فکری، ادبی، دینی و اجتماعی عصر شاعر یا نویسنده مطرح شوند و سپس، ساختار فکری هر یک روشن گردد تا دانش‌آموزان به‌طور غیرمستقیم با شیوه‌های بررسی و تحلیل آثار ادبی ایران و جهان آشنا شوند.

۵- در قسمت تاریخ ادبیات جهان، مکاتب ادبی اروپا معرفی شده‌اند. به معلمان محترم توصیه می‌شود قبل از تدریس هر درس، با مراجعه به منابع موجود و مطالعه‌ی آن‌ها، خود را برای توضیح ابعاد و زوایای هر کدام از مکاتب آماده کنند. این امر با الگوی تدریس پیش‌سازمان دهنده تناسب بیشتری دارد. (مجله‌ی رشد ادب فارسی، ش ۴۹).

۶- در بخش فعالیت‌های کلاسی، همکاران محترم می‌توانند تلاش فکری دانش‌آموزان را به‌سمت مطالعه و تحقیق درباره‌ی شاعران و نویسندگان برجسته جهت دهند.

۷- از طرح مباحث جزئی و غیرضروری درباره‌ی شعرا و نویسندگان خودداری شود؛ زیرا این امر در جریان آموزش و نیل به اهداف کتاب اختلال ایجاد می‌کند.

۸- در تدریس دروس این کتاب ترجیحاً از نمونه‌های موجود در کتاب‌های ادبیات فارسی اول تا سوم متوسطه استفاده شود. این عمل ضمن تعمیق یادگیری، فهم درس را نیز آسان می‌کند.

۹- برای اطلاع از نحوه‌ی بارم‌بندی به بخشنامه‌های ارسالی مراجعه شود. علاوه بر این به منظور هماهنگی در آموزش پاسخ‌نامه‌ی خودآزمایی‌ها نیز در اختیار گروه‌های آموزشی استان‌ها گذاشته شده است.

دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری

قسمت اول

تاریخ ادبیات ایران



بخش اول

عصر حافظ

درآمدی بر عصر حافظ، دوران شکوه و شکست

فروپاشی حکومت ایلخانان با پراکندگی فرهنگی که سبب عمده‌ی آن حکومت قوم بیگانه‌ی تاتار و خون‌ریزی‌های ناشی از آن بود، هم‌زمان گردید. پریشانی اندیشه، سستی گرفتن بنیان‌های فلسفی، رواج خرافات و بی‌مسئولیتی، دل‌سپاری به قضا و قدر و گسترش روح تسلیم و بی‌توجهی به دنیا را تا حد زیادی می‌توان از پیامدهای فتنه‌ی مغول دانست. فساد ناشی از حمله‌ی مغول به زمینه‌های فکری و فرهنگی منحصر نماند، در قلمرو ادبیات و ذوق هم روز به روز سستی و ضعف و بی‌ضابطگی آشکارتر می‌شد. گذشته از حضور و رواج پاره‌ای واژه‌های مغولی در زبان و ادب فارسی، دل‌مردگی و بی‌سرانجامی و بلاتکلیفی با اندیشه‌ی ادبی فارسی قرین گشت، ذوق‌ها پژمرده شد و عواطف شاعران و نویسندگان از خلاقیت باز ماند.

فترت و هرج و مرجی که در عصر حافظ در قلمرو ذوق و اندیشه ملاحظه می‌شود، چیزی جز بازتاب جریان‌های سیاسی و پریشان‌حالی اقتصادی و اجتماعی پس از فتنه‌ی مغول نیست.

در عصر حافظ، به دلیل بی‌عقیدگی برخی از ایلخانان و بی‌تعصبی بعضی دیگر، گروه‌ها توانستند مذهب و اعتقاد خود را آزادانه آشکار کنند و در صورت لزوم بر آن پای بفشردند. بنابراین، در این ایام نه تنها مذاهب اسلامی آزادانه تبلیغ و ترویج می‌شد بلکه پیروان ادیان دیگر و از آن جمله زرتشتیان و مسیحیان هم آشکارا کیش و آیین خود را تبلیغ می‌کردند و مراسم آن را برپا می‌داشتند.

این فضای باز عقیدتی برای پاره‌ای از مذاهب اسلامی که پیش از این در اقلیت بودند، زمینه‌ی مستعدی برای رشد و تبلیغ فراهم آورد. از جمله‌ی این مذاهب آیین تشیع بود که در دوره‌های قبل نیز برخی مانند خواجه نصیرالدین توسی با نفوذ در دستگاه حکومتی خلفا و مغولان توانسته بودند از قدرت سیاسی آنان بهره‌جویند و برای دفع پاره‌ای مفسد و دست‌زدن به اقدامات اصلاح‌طلبانه و علمی امکانات تازه‌ای فراهم آورند.

از این زمان به بعد، مذهب شیعه نه تنها به سرعت روبه‌گسترش نهاد بلکه در میانه‌ی این دوره توانست با تشکیل حکومت‌های محلی - مانند سربداران در خراسان - برای حکومت مرکزی در دسرهای جدی فراهم آورد و زمینه را برای روی کار آمدن تشیع در دوره‌ی بعد آماده سازد.

بعد از مرگ تیمور به سال ۸۰۷ ه.ق کشاکش میان فرزندان و نوادگان او بر سر متصرفات پدر آغاز شد. تنها شاهرخ میرزا بود که توانست بخش وسیعی از ممالک تیموری - یعنی نواحی شرقی آن - را از آسیب و پریشانی نجات دهد. او شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار داد و با علاقه‌ای که به هنر و فرهنگ اسلامی داشت، نظر هنرمندان و صاحبان ذوق از جمله خوش‌نویسان و نقاشان و شاعران را جلب کرد و حامی نهضت بزرگ هنری عصر خویش شد. بایسنقر میرزا که بعد از پدر زمامدار هرات بود، در این شهر محفل انسی از ارباب فضل و هنر ترتیب داد. خود او اقسام خط‌های آن روز را شیرین و زیبا می‌نوشت و در پرتو علاقه‌ی خاصی که به هنر خطاطی داشت، مشوق هنرمندان آن عصر شد تا آثار ارجمندی برای کتابخانه‌ی وی پدید آورند. از جمله‌ی این نسخه‌ها قرآن و شاهنامه‌ی معروف به بایسنقری است که شاهنامه‌ی بایسنقری (به‌طور کامل) و برگ‌هایی از قرآن بایسنقری در کتابخانه‌های ایران از آن جمله کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی در مشهد موجود است و از ارزنده‌ترین آثار هنر اسلامی به‌شمار می‌آید.

در عصر حافظ، پهنه‌ی وسیعی زیستگاه و قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی بود. شبه‌قاره‌ی هند و آسیای صغیر هم‌چنان میزبان زبان فارسی بود و آذربایجان و اصفهان و فلات مرکزی ایران هم دانشوران و هنرمندان خاص خود را داشت. اقلیم پارس به‌رغم کشمکش‌های تاریخی فراوانی که در اثر روی کار آمدن خاندان تیموری جریان داشت، مثل

گذشته کانون جوشنده‌ی زبان و شعر فارسی بود و شیراز هم چنان پایتخت شعر و ادب این عصر به‌شمار می‌رفت. اما فرهنگ شهرهای بزرگی مثل نیشابور و سبزوار و توس و مرو و به‌خصوص هرات – که مرکز ذوق و هنر بود – باعث شدند که خراسان از لحاظ شعر و ادب موقعیت پیشین خود را حفظ کند.

وضع عمومی شعر در عصر حافظ

در این دوره، قصیده رو به ضعف و کسادی گذاشته بود و اگر قصیده‌ای سروده می‌شد، بیش‌تر به موضوعات و مضامینی از قبیل حمد خدا، نعت رسول اکرم (ص)، مناقب امامان شیعه، عرفان، حکمت، شکوه و شکایت، موعظه و مسائل اجتماعی، هجو و هزل و مقداری هم مدح شاهان و صاحب منصبان اختصاص می‌یافت.

انصاف در داوری صحیح ایجاب می‌کند که بگوییم در این دوره، در دو زمینه‌ی منقبت و مرثیه و طرح مسائل اجتماعی ابتکارهایی صورت گرفته است.

در میان شاعران این دوره تقلید با شدت تمام رواج داشت و در شعر عصر حافظ به دو صورت جلوه کرد: نخست تقلید از شیوه و سبک استادان پیشین و دیگر، جواب‌گویی شعرهای مشهور پیشینیان غالباً بر همان وزن و قافیه. از شاعران دوره‌های پیش، بیش‌تر از همه سبک و شیوه‌ی کار انوری، ظهیر فاریابی، کمال‌الدین اصفهانی و خاقانی تقلید می‌شد. شیوه‌ی نظامی، شاعر و داستان‌سرای گنجه در پرداختن منظومه‌های بلند عاشقانه که در عصر مولوی امتیاز و والایی در خوری کسب کرده بود، سرمشق بسیاری از شاعران عصر حافظ هم قرار گرفت. منظومه‌ها و حتی خمسه‌های چندی به پیروی از نظامی پدید آمدند اما هیچ‌کدام نتوانستند در آفرینش هنری، ابتکار مضمون و پرداخت داستانی به جایگاه آثار او دست یابند.

استقبال از اشعار سخن‌سرایان نامور گذشته شگرد دیگری بود که شاعران عصر حافظ در آن طبع‌آزمایی کردند. این کار به قالب خاصی محدود نماند؛ هم بسیاری از قصاید مشهور خاقانی و انوری و جمال‌الدین مورد توجه شاعران بود و هم غزلیات بلندآوازه‌ی سعدی و امیر خسرو و ظهیر. در میان این استقبال‌ها تنها شیوه‌ی عبیدزاکانی – چنان که

خواهیم دید - از جهتی ابتکاری و تازه قلمداد می‌شود و از آن ممتازتر، شگرد شگرف و رندانه‌ی حافظ است که به حق باید گفت در همه‌ی استقبال‌ها با استادی و فرزاندگی خاصی از سرمشق‌ها بسی فراتر رفته و با هنرمندی تمام، مضمون‌ها را از آن خود ساخته است. نمونه‌ی دیگری که در این دوره بسیار مورد توجه و تقلید قرار گرفت، شاهنامه‌ی فردوسی بود. بسیاری به گمان این که می‌توانند با سرودن منظومه‌ای حماسی در هر قلمرو و مضمون و در هر عصر و زمان، شأن و افتخاری هم‌پایه‌ی فردوسی به دست آورند، به طمع خام نظیره‌گویی افتادند.

در این دوره محتوای شعر با دوره‌های قبل تفاوت چندانی نداشت؛ جز این که آثار بسیاری از شعرا روز به روز ضعیف‌تر می‌شد و از پختگی عصر مولوی و سعدی تا حدودی به دور می‌افتاد. حتی ظهور و گسترش پاره‌ای از انواع ظاهراً تازه مانند ساقی‌نامه^۱، معماً^۲ و مادّه تاریخ^۳ هم با آن که به شدت مورد علاقه‌ی شاعران این دوره از جمله حافظ بوده است، نتوانست افقی تازه در پهنه‌ی ادب پارسی بگشاید.

طنز و انتقاد اجتماعی به‌ویژه در شعر کسانی مانند عبیدزاکانی، بسحاق اطعمه و به شیوه‌ای ظریف و رندانه در اشعار حافظ از ارمغان‌های تازه‌ی این عصر است که دست‌کم تا این پایه هنری و مؤثر در دوره‌های دیگر رواج چندانی نداشته است.

زبان شعر این دوره، جز در سروده‌های برخی از شاعران مانند حافظ و خواجه، رو به سقوط و تباهی است. این تباهی و کم‌مایگی هم در لفظ پیداست و هم در ساخت و بافت کلام. گسترش و عمومیت یافتن شعر و ادب در کوچه و بازار و در میان افراد نافرهیخته، به این ناپختگی دامن می‌زد و زمینه را بیش از پیش برای تغییری اساسی در سبک و شیوه‌ی شاعری آماده می‌کرد. اگر حافظ به عنوان ستون اصلی شعر و شاعری این عصر، یک‌تنه به نجات زبان و فرهنگ ایران بر نمی‌خاست، برای شعر و زبان فارسی سرنوشتی به مراتب بدتر

(۱) ساقی‌نامه به اشعاری گفته می‌شود که در وصف مجالس بزم و لوازم مربوط به آن سروده شده باشد و شاعر در خلال آن، مضامین غنایی و عرفانی و حکمت و وعظ را نیز درج کند.

(۲) گنجاندن نام یک شخص یا شیء در حروف یا واژه‌های مصراع یا بیت را معماً گویند. ر.ک، شعر و ادب، زین‌العابدین مؤتمن.

(۳) ثبت تاریخ وقایع مهم با استفاده از حروف ابجد: ر.ک، شعر و ادب، زین‌العابدین مؤتمن.

از این انتظار می‌رفت.

شاعران نام‌دار این دوره :

فخرالدین عراقی، عارفی از سلسله‌ی سوختگان

در سال ۶۱۰ ه.ق که هنوز سپاه مغول شهرهای مردخیز و پربرکت ایران را میدان تاخت و تاز و خون‌آشامی‌های خود قرار نداده بود، در یکی از روستاهای فراهان به نام کُمجان (کمیجان) در خانواده‌ای دانشور و با کمال کودکی دیده به جهان گشود که او را ابراهیم نام نهادند. به اعتبار مولدش - بعدها که شاعری بلندآوازه شد - او را به نسبت‌های فراهانی و همدانی نیز خوانده‌اند؛ هرچند به دلیل سکونت در عراق عجم، بیش‌تر به عراقی شهرت دارد.

کودکی و نوجوانی عراقی در همدان و اصفهان، به کسب دانش و معرفت‌اندوزی گذشت. از آن پس به مولتان رفت و بعد از مدتی قصد دیار روم در آسیای صغیر کرد و در آن‌جا از طریق شیخ صدرالدین قونوی با آثار عارف بزرگ آن روزگار، محی‌الدین ابن عربی، آشنا شد. علاوه بر این، در شهر قونیه به خداوندگار عشق و عرفان، مولانا جلال‌الدین رومی ارادت خاصی پیدا کرد و خیلی زود مورد توجه مخصوص او واقع شد و سرانجام به سال ۶۸۸ در دمشق بدرود حیات گفت.

آثار عراقی

عراقی به‌مثابه‌ی یک عارف بزرگ توفیق یافت آثار مهم و ممتازی در قلمرو عرفان از خویشتن به یادگار گذارد :

الف - دیوان، با حدود پنج هزار بیت در قالب‌های قصیده و غزل و ترانه و قطعه و مثنوی مجموعه‌ی رنگارنگی است که جان‌های تشنه راسیراب می‌کند^۱. تعداد غزل‌ها و هم‌چنین تأثیر آن‌ها به مراتب از دیگر اشعار او بیش‌تر است.

ب - عشاق نامه که نام دیگر آن ده‌نامه است، مشتمل است بر ابیاتی در قالب

(۱) کلیه‌ی آثار منظوم و منثور عراقی در کتابی با عنوان دیوان فخرالدین عراقی با حواشی م. درویش در

تهران به چاپ رسیده است.

مثنوی و چند غزل که همگی در وزن حدیقه‌ی سنایی سروده شده‌اند. شاعر در هر فصل این کتاب، یکی از مباحث عرفانی را مطرح کرده و سخن خود را با چند تمثیل و حکایت به پایان رسانیده است. در دوره‌های بعد، شاعران از این کتاب تقلید کردند و چندین «ده‌نامه» در ادب فارسی پدید آوردند.

پ — علاوه بر این اشعار، عراقی کتابی به نام لمعات به نثر و نظم فارسی دارد که موضوع آن عرفان و سیر و سلوک عارفانه است. بعدها چند تن از عارفان بزرگ بر این کتاب شرح و تفسیرهایی نوشته‌اند که از آن میان، شرح جامی با عنوان اشعة اللّمعات از همه مشهورتر است.

شعر و نثر عراقی هر دو گرم و دلپذیر و کلامش ساده و استوار و پرتأثیر است. مثنوی‌ها و قصاید او بیش‌تر رنگ حکمت و تحقیق دارند اما با خواندن غزلش، اغلب شور و نشاط عارفانه و سبکی روح به آدمی دست می‌دهد. انتخاب ابیاتی گزیده از میان غزل‌های عراقی کار آسانی نیست.

نمونه‌ای از شعر عراقی :

شراب بی‌خودی

ز چشمِ مستِ ساقی وام کردند	نخستین باده کاندر جام کردند
شراب بی‌خودی در جام کردند	چو با خود یافتند اهل طرب را
کمند زلفِ خوبان دام کردند	ز بهر صید دل‌های جهانی
به هم کردند و عشقش نام کردند	به گیتی هر کجا دردِ دلی بود
به یک جلوه دو عالم رام کردند	جمال خویشان را جلوه دادند
سر زلفین خود را دام کردند	دلی را تا به دست آرند هر دم
عراقی را چرا بدنام کردند؟	چو خود کردند راز خویشان فاش

خودآزمایی‌های نمونه

- ۱) آثار حمله‌ی مغول را در قلمرو ادبیات بیان کنید.
- ۲) شاهرخ میرزا در عرصه‌ی هنر و فرهنگ اسلامی چه نقشی داشته است؟ توضیح دهید.
- ۳) وضع زبان و فرهنگ را در عصر حافظ شرح دهید.
- ۴) چرا در عصر حافظ، قالب قصیده از رواج افتاد؟
- ۵) عمده‌ترین موضوع‌ها و مضامین قصیده در عصر حافظ را بیان کنید.
- ۶) زبان شعر در عصر حافظ چه کیفیتی داشت؟
- ۷) نام دیگر کتاب عشاق‌نامه چیست و این کتاب در چه زمینه‌ای است؟
- ۸) شعر شراب بی‌خودی را با شور عشق از ادبیات سال دوم مقایسه کنید.

پژوهش

□ «دَه‌نامه» نویسی و دَه‌نامه‌نویسان.

خواجوی کرمانی، نخل‌بند شاعران

این که دو شاعر پرآوازه، یعنی سعدی و حافظ پیش از خواجو و بس از وی ظهور کرده و او را در میان گرفته‌اند، از جهت الهام‌گیری و الهام‌بخشی، برای این شاعر عارف کرمان درخور توجه‌شایان است اما به لحاظ آن که مقام و منزلت ادبی و شاعرانه‌ی وی در برابر دو چهره‌ی درخشان ادب فارسی رنگ باخته است، در مجموع می‌تواند برای نام و آوازه‌ی او ناخجسته به‌شمار آید.

این عارف کرمانی که در غزل از سعدی پیروی می‌کرد و «سخن حافظ طرز غزل» او را داشت، کمال‌الدین ابوالعطا محمود بن علی از بزرگ‌زادگان و خواجگان کرمان بود و به همین دلیل، بعدها که به شعر و شاعری روی آورد، تخلص «خواجو» را برگزید و به دلیل هنرنمایی‌هایش در عالم شعر به نخل‌بند شاعران شهرت یافت. او پس از آن که دوران کودکی را در زادگاه خود پشت‌سر گذاشت، در پی کسب علم و کمال به سیر آفاق و انفس پرداخت.

در همین سال‌ها با حافظ دوستی و ارتباط نزدیک یافت و چون به سال و تجربه‌ی شعری بر حافظ پیشی داشت، بر شعر و اندیشه‌ی وی پرتو تعلیم افکند. به همین سبب در دیوان خواجه بسیاری از ابیات و غزل‌ها را می‌بینیم که به تقلید یا استقبال از خواجو سروده شده است. خواجو به سال ۷۵۰ هـ. در شیراز بدرود حیات گفت و در تنگ‌الله اکبر، مشرف بر دروازه قرآن فعلی شیراز، به خاک سپرده شد.

آثار خواجو به این شرح است :

۱- دیوان؛ شامل قصاید، غزلیات، قطعات، ترجیعات و رباعیات که بر روی هم به دو

بخش صنایع الکمال و بدایع الجمال تقسیم می شود^۱.

۲- شش مثنوی؛ در وزن های گوناگون با این نام ها:

سام نامه، همای و همایون، گل و نوروز، روضة الانوار، کمال نامه و گوهر نامه.

پنج مثنوی اخیر بر روی هم خمسه ی خواجه را تشکیل می دهد^۲.

۳- آثار منشور؛ علاوه بر دیوان و منظومه ها از خواجه آثاری هم به نثر موجود

است که مهم ترین آن ها سه مناظره است با نام های رساله اللباده در مناظره ی نی و بوریا، سبع المثانی در مناظره ی شمشیر و قلم و مناظره ی شمس و سحاب که هر سه با نثری مزین و آمیخته به شعر فارسی نوشته شده اند.

شعر و عرفان خواجه - بخشی از قصاید خواجه در توحید و نعت و منقبت

معصومین، بخشی در زهد و پند و پاره ای هم به انضمام بیش تر قطعاتش در برگیرنده ی مطالب و مسائل اجتماعی و انتقادی است. او در قصیده به سنایی و در غزل عموماً به سعدی نظر دارد.

سبک غزل سرایی خواجه در دیوان حافظ با رندی و کمال هنرمندی به اوج تعالی و

زیبایی رسیده و در واقع، به نام خواجه ی شیراز ثبت شده است.

در مجموع، خواجه ی کرمان مثل انبوهی از هم روزگاران خود بر شیوه ی پیشینیان

بوده ولی در این تقلید به سراغ متولیان ادب منظوم فارسی رفته است. در قصیده از سنایی،

در غزل از سعدی و در حماسه از فردوسی تقلید کرده است و در داستان غنایی، نظامی را

سرمشق خود قرار داده ولی روی هم رفته در برابر این حریفان نتوانسته است آن چنان که باید

بدرخشد.

با این همه، خواجه را باید شاعری با نصیب و در زمانه ی خود موفق به حساب آوریم.

از اشعار او چند بیت را برای نمونه نقل می کنیم.

(۱) دیوان خواجه را احمد سهیلی خوانساری در تهران به چاپ رسانیده است.

(۲) خمسه ی خواجه ی کرمانی در سال های اخیر با تصحیح سعید نیاز کرمانی در کرمان چاپ شده است.

حدیث مستان

گفتا: تو از کجایی کاشفته می‌نمایی؟
گفتم: منم غریبی از شهر آشنایی
گفتا: کدام مرغی؟ کز این مقام خوانی
گفتم که: خوش نوایی از باغِ بی‌نوایی
گفتا: ز قیدِ هستی رو مست شو که رستی
گفتم: به می پرستی، جستم ز خود رهایی
گفتا: جوی نیرزی، گر زهد و توبه ورزی
گفتم که: توبه کردم از زهد و پارسایی
گفتا: به دل‌ربایی ما را چگونه دیدی؟
گفتم: چو خرمنی گل در بزم دل‌ربایی
گفتا: بگو که خواجه در چشم ما چه بیند؟
گفتم: حدیثِ مستان سرّی بُودِ خدایی

ابن‌یمین و قطعه‌سرایی فارسی

ابن‌یمین، شاعر شیعه‌مذهب عصر سربداران در قریه‌ی فریومد، آبادی‌ای از ولایت جُوین خراسان، زاده شد.
در آن ایام، سربداران در خراسان قدرت یافته بودند و ابن‌یمین نظر به علاقه‌ای که به آن‌ها داشت، بسیاری از شاهان و امرای سربداری را ستود. او مدّتی را در سبزوار نزد سربداران به سر برد و ناظر برخی کشمکش‌ها و جنگ‌های آنان با ایلخانان بود. ابن‌یمین مردی قانع و گوشه‌گیر و دهقان پیشه بود^۱. مضامینی اخلاقی را در قطعات خویش درج کرد و به هنر قطعه‌سرایی – به‌ویژه خلق قطعات مشتمل بر پند و اندرز – نام‌بردار گشت. سال‌های

(۱) خود او می‌گوید:

هرچه خواهد دلت، ای دوست بکار
تا هم از کشت خودش آرد بار

این جهان مزرعه‌ی آخرت است
دهفتن پیشه‌گرفت ابن‌یمین



پایانی حیات ابن‌یمین در سبزوار و فریومد به قناعت و درویشی گذشت و سرانجام در سال ۷۶۳ هجری بدرود زندگی گفت.

موضوع قصیده‌های ابن‌یمین مدح و منقبت امامان شیعه و مضمون غزل‌هایش به شیوه‌ی معمول شاعران، عشق و دل‌دادگی است. در مجموعه‌ی دیوان او فراز و فرود بسیار است^۱. قصاید و غزلیاتش ارزش ادبی ممتازی ندارند اما همه‌ی قدرت شاعری و قریحه‌ی وی در نظم قطعات اخلاقی آشکار و درخور توجه است. مضامین ابن‌یمین از نتایج حکمت عملی مایه می‌گیرد و در قالب تشبیهات و تمثیلات بدیع عرضه می‌شود. در شعر او قناعت‌پیشگی، ستایش شده و بی‌اعتباری دنیا مورد تأکید قرار گرفته است.

قناعت

دو قرص نان اگر از گندم است اگر از جو
دوتای جامه اگر کهنه است اگر از نو
به چار گوشه‌ی ایوان خود به خاطر جمع
که کس نگوید از این جای خیز و آن جا رو
هزار بار نکوتر به نزد ابن‌یمین
ز فرّ مملکت کی قباد و کی خسرو

این نیز بگذرد

ای دل غم جهان مخور این نیز بگذرد
دنیا چو هست بر گذر این نیز بگذرد
گر بد کند زمانه تو نیکو خصال باش
بگذشت از این بسی به سر، این نیز بگذرد

۱) دیوان اشعار ابن‌یمین را حسینعلی باستانی‌راد در تهران چاپ کرده است.

یک حمله پای دار که مردان مرد را
بگذشت از این بسی بتر این نیز بگذرد
ابن‌یمین ز موج حوادث مترس از آنک
هرچند هست با خطر، این نیز بگذرد

سیف فرغانی و انتقاد اجتماعی

سیف‌الدین محمد فرغانی در نیمه‌ی اول سده‌ی هفتم هجری، یعنی همان ایامی که شهرهای بزرگ و آباد خراسان در آتش بیداد مغولان می‌سوخت، در شهر فرغانه واقع در ماوراءالنهر زاده شد. بعدها که به شاعری روی آورد، با آن که سال‌ها پیش بر اثر آشفتگی اوضاع ماوراءالنهر به آسیای صغیر مهاجرت کرده بود، به سیف فرغانی شهرت یافت. سیف هرچند تقریباً با مولانا جلال‌الدین هم‌زمان و به قونیه نسبتاً نزدیک بوده است، با وی ملاقات و مراوده‌ای نداشته اما، در عوض با ارادتی تمام سعدی شیرازی را ستایش کرده و با این استاد سخن فارسی مکاتبه داشته است.

فکر و شعر سیف — سبک شعری سیف فرغانی به شیوه‌ی سخنوران نامی خراسان بس نزدیک است. این نزدیکی هم در لفظ و کاربرد زبانی است و هم در ساخت مضمون‌ها و دیدگاه‌ها. قصاید که بخش چشم‌گیری از دیوان دوازده‌هزار بیتی او را شامل می‌شود، بیش‌تر در استقبال از سخنوران ناموری چون رودکی، انوری، خاقانی، سنایی، عطار و کمال اصفهانی گفته شده است. او نیز همچون دیگر شاعران عصر حافظ، با آوردن ردیف‌های دشوار و پاره‌ای التزام‌های دیگر، عموماً گرفتار هنرنمایی‌های شاعرانه شده است.

غزل‌های سیف بیش‌تر در جواب سعدی شیرازی است. او هم مانند همه‌ی شاعرانی که سر از قید ستایش گردن‌کشان و تعلق به دستگاه‌های فرمانروایان آزاد کرده‌اند، بیش‌تر متمایل به غزل‌سرایی است. با این حال، از قالب قصیده برای بیان انتقادهای کوبنده و طرح دیدگاه‌های اجتماعی و اخلاقی خویش سود برده است؛ بی‌آن که خود را در «اصطبل ثناخوانی» گرفتار کند^۱. او در یکی از شعرهایش خطاب به ایلخان مغول می‌گوید:

(۱) اسب همت سرکشید و بهرجو جایز نداشت

من نی‌ام شاعر که مدح کس کنم، هر شاه را
 از برای حق نعمت پند دادم این قدر
 خیر و شر کس نگفتم از هوای طبع و نفس
 مدح و ذمّ کس نکردم از برای سیم و زر
 ما که اندر پایگاه فقر دستی یافتیم
 گاو از ما به که گردون را فرود آریم سر
 او به شاعران دیگر هم سفارش می‌کند که از ستایش، «سیم پرستان گدا» خودداری
 کنند و اگر ذوقی دارند آن را در وعظ و اندرز به کار گیرند.
 سیف مثل هر مسلمان آزاده‌ی دیگر به امامان شیعه و از آن جمله امام حسین
 -علیه السلام- علاقه‌ی خاصی داشته و اشعار نغز و شیوایی در رثای شهیدان کربلا سروده
 است. در این جا به نمونه‌ای از شعر او اکتفا می‌کنیم.

دولت پایدار

به عدل ار تو یاری کنی خلق را	به فضل ایزدت نیز یاری کند
ز مظلوم شیب خیز غافل مباش	که او در سحرگاه زاری کند
تو محتاج سرگشته را دست گیر	که تا دولتت پایداری کند

عبید زاکانی، شوخ طبعی آگاه

عبید زاکانی شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز و شوخ طبع سده‌ی هشتم در قزوین زاده
 شد. لقب زاکانی را از آن جهت به وی داده‌اند که از خاندان زاکانیان، تیره‌ای از اعراب
 بنی خفاجه، بود که پس از مهاجرت به ایران در نواحی قزوین سکونت اختیار کرده بودند.
 عبید با امرای آل اینجوی فارس پیوندی نزدیک داشت و قصاید و قطعاتی در ستایش آنان
 در دیوان وی موجود است. بعدها هم که فارس به دست آل مظفر افتاد، عبید به آنان علاقه
 نشان داد. وی به سال ۷۷۲ هـ. درگذشت.

ذوق و هنر عبید در نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی جلوه می‌کند و در اغلب

آثارش در قالب طنز و لطیفه‌های دل‌نشین آشکار می‌شود.

آثار و شیوه‌ی طنز پردازی عبید — پیامدهای اخلاقی و اجتماعی حمله‌ی مغول در عصری که عبید پرورده‌ی آن بود، به صورت فروپاشی نظام تمدنی پیشین و دگرگونی معیارها و ارزش‌ها در طبقات گوناگون جامعه، از دیوانیان و قضات و اهل شریعت گرفته تا صوفیان و پیشه‌وران و کارگزاران حکومتی ظاهر شده بود. او مردی بیدار و آگاه بود که اوضاع زمانه را ابدأ نمی‌پسندید و از آن خاطری آزرده داشت.

سخنان طنزآمیز عبید، اغلب خنده‌آور و گاهی رکیک است اما در پس آن پیامی اصلاح‌جویانه و خیرخواهانه نهفته است که از چشم روشن بینان پنهان نمی‌ماند.

آثار عبید به نظم و نثر باقی مانده است. اشعار او به دو بخش کلی جدی و طنزآمیز تقسیم می‌شود. اشعار جدی او که به صورت دیوانی فراهم آمده، شامل قصاید، غزل‌ها، ترجیعات، قطعات، رباعیات و مثنوی عشاق‌نامه است که بر روی هم به سه هزار بیت می‌رسد. این اشعار نسبت به آثار پیشینیان چیز تازه‌ای ندارد و برای او امتیازی ادبی به بار نمی‌آورد.

چهره‌ی ادبی ممتاز عبید را باید در آثار طنزآمیز او دید. این آثار هم به نظم است هم به نثر. از میان آثار منظوم منسوب به عبید، موش و گربه اهمیت خاصی دارد. این منظومه حکایتی تمثیلی است که عبید در آن وضع جامعه و دو طبقه‌ی حاکمان و قاضیان را مورد انتقاد قرار می‌دهد. چه بسا مقصود اصلی وی بیان حال ابواسحاق اینجو بوده باشد در برابر امیر مبارزالدین محمد، فرمانروای کرمان؛ بنابراین تفسیر، باید موش و گربه را اثری کاملاً سیاسی دانست.

آثار طنزآمیز منشور عبید که مهارت او را در ترسیم اوضاع نابه‌سامان اخلاقی و فرهنگی پیش‌تر نشان می‌دهد، به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:

اخلاق‌الاشراف، صد پند، رساله‌ی دلگشا، رساله‌ی تعریفات.

عبید زاکانی در این رساله‌های کوتاه، ظهور نیرومندترین و خلاق‌ترین منتقد اجتماعی را در ادبیات انتقادی فارسی بشارت داده است. در نوشته‌ها و سروده‌های عبید، زبان طنز بی‌پرواست؛ چندان که بیش‌تر آن‌ها را نمی‌توان در همه‌جا نقل کرد ولی شاید بتوان گفت که

این تندی و پُر رنگی واکنشی در برابر شدت فساد و تباهی‌های روزگار شاعر است. در حقیقت، میزان فساد اخلاق در آن زمان به حدی بالا بود که جز با همین زبان تلخ و گزنده و عریان نمی‌شد آن را بیان و در دفع آن چاره‌جویی کرد.

عبید برای پرداختن هزلیات خود، به سعدی و سوزنی (شاعر هزل‌گوی سده‌ی ششم) نظر داشته و به خصوص اشعار طنزآمیز خود را غالباً بر وزن و قافیه‌ی شعرهای معروف پیش از خود سروده است. پس از او هم شاعران دیگر از این شیوه تقلید کرده‌اند اما گویی هیچ‌کس نتوانسته است در مقام طنز و انتقاد اجتماعی با این کیفیت هنری به پای عبید برسد. در نتیجه، موقعیت او در ادب انتقادی فارسی تا امروز شاخص و ممتاز باقی مانده است.

ابیاتی از منظومه‌ی موش و گربه را در این جا نقل می‌کنیم.

موش و گربه

قصه‌ی موش و گربه برخوانا بود چون ازدها به کرمانا شیردم و پلنگ‌چنگانان شیر از وی شدی گریزانان	ای خردمند عاقل و دانا از قضای فلک یکی گربه شکمش طبل و سینه‌اش چو سپر سر هر سفره چون نهادی پای در پایان این قصه آمده است :
یادگار عبید زاکانا که شوی در زمانه شادانا مدعا فهم کن پسر جانان	هست این قصه‌ی عجیب و غریب جان من پندگیر از این قصه غرض از موش و گربه برخواندن

خودآزمایی‌های نمونه

(۱) قصاید «خواجوی کرمانی» چه موضوعات و مسائلی را دربر دارد؟

(۲) غزل‌های «ابن‌یمین» چه مضمونی دارد؟

- ۳) در دو بیت زیر از «ابن یمین»، کدام ویژگی ستوده شده است؟
 دو قرص نان اگر از گندم است اگر از جو
 دو تای جامه اگر کهنه است اگر از نو
 هزار بار نکوتر به نزد ابن یمین
 ز فرّ مملکت کی قباد و کی خسرو
- ۴) «سیف فرغانی» از قالب قصیده به چه منظور بهره برده است؟
- ۵) ذوق و هنر عبیدزاکانی در چیست و چگونه جلوه گر می شود؟
- ۶) منظومه‌ی «موش و گربه»ی عبید از نظر زبان و بیان چگونه اثری است؟
- ۷) علت تندی و گزندگی زبان طنز عبید را بیان کنید.
- ۸) بیت زیر به کدام ویژگی «موش و گربه»ی عبید اشاره دارد؟
 غرض از موش و گربه برخواندن مدعا فهم کن پسر جانا

پژوهش

□ طنز پردازی در ادبیات سنتی.

حافظ، رند فرزانه‌ی شیراز

از میان شاعران زبان فارسی بی‌گمان هیچ‌کس توفیق آن را نداشته است که به اندازه‌ی حافظ، مطلوبِ نظر خاص و عام قرار گیرد و فضای ادب و فرهنگ فارسی را به خود اختصاص دهد. تاکنون کسی نتوانسته است راز محبوبیت خواجه‌ی شیراز را بگشاید. این رمز و راز را باید در دنیای شعر او جست.

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی که ما او را به نام حافظ و لقب لسان‌الغیب می‌شناسیم، در حدود ۷۲۶ هـ. در شیراز زاده شد. نیاکانش از کوهپایه‌ی اصفهان بودند و پدرش در شیراز اقامت گزیده بود. شمس‌الدین محمد نوجوان، دوران دانش‌اندوزی را در



شیراز گذرانید. چنان که در بقیه‌ی عمر شصت و چند ساله‌ی خویش هم بر خلاف شاعر بلندآوازه و هم‌شهری خود، سعدی شیراز، علاقه‌ی چندانی به سفر نشان نداد و جز یک سفر کوتاه به یزد و سفری بی‌سرانجام به جزیره‌ی هرمز، باقی زندگی را در زادگاهش به‌سر آورد تا این که در سال ۷۹۲ هـ. رخت به سرای باقی کشید.

او از همه‌ی علوم قرآنی، از قرائت و تفسیر گرفته تا کلام و فلسفه و عرفان، بهره داشت. حتی شگرد شاعری و سبک ویژه‌ی بیان خود را از قرآن کریم آموخته بود و در آگاهی از زیر و بم الفاظ و معانی و مفاهیم از آن الهام می‌گرفت. پس اینک اگر در خانه‌ی هر ایرانی مسلمان در کنار قرآن، دیوان حافظی هست و اگر هم چنان که با قرآن استخاره می‌کنند از دیوان حافظ هم فال می‌گیرند، نباید چندان جای شگفتی باشد.

جوان شیرازی وقتی به علم و ادب روی آورد، هرگز دانش خود را دست‌مایه‌ی مال‌اندوزی قرار نداد. حتی پس از آن که در پرتو موقعیت خود مورد توجه حاکمان و فرمانروایان فارس شد و به دربار ابواسحاق اینجو و شاه شجاع مظفری راه یافت و از عنایت ویژه‌ی حاجی قوام‌الدین، کلانتر شیراز، برخوردار گردید، باز ناداری و نیازمندی از سر او دست برداشت. درد فقدان فرزند برای حافظ هم مثل فردوسی و خاقانی دل‌شکن بود و در ژرفای ضمیرش جراحی سنگین بر جای گذاشت^۱ و غزل‌های نغز و پرمغزی پدید آورد^۲.

از میان پادشاهان معاصر حافظ، شاه‌شیخ ابواسحاق با او به حرمت رفتار می‌کرد و دوران خوش سلطنت وی روزگار جوانی حافظ را از رؤیاهای شیرین سرشار می‌کرد اما دوران حکومت سخت‌گیرانه‌ی امیر مبارزالدین محمد با تعصب و خشونت همراه بود و زندگی او را تلخ می‌ساخت. شاعر آزرده حال بیش‌ترین غزل‌های آبدار خود را در مبارزه با

(۱) در اشاره به مرگ فرزند خویش می‌گوید:

چه دید اندر خم این طاق رنگین
فلک بر سر نهادش لوح سنگین

دلا دیدی که آن فرزانه فرزند
به جای لوح سیمین در کنارش

(۲) از آن جمله غزلی است با مطلع زیر:

باد غیرت به صدش خار، پریشان دل کرد

بلبلی خون‌دلی خورد و گلی حاصل کرد

که در آن می‌نالد:

که خود آسان بشد و کار مرا مشکل کرد

قره‌العین من آن میوه‌ی دل یادش باد

ریاکاری و عوام‌فریبی با لحنی نیشدار و گزنده، تلویحاً خطاب به همین امیر ریاکار مظفری سروده و با کنایه و تمسخر او را محتسب خوانده است.

دنیای شعر و اندیشه‌ی حافظ — از حافظ اکنون جز دیوانی شامل کم‌تر از پانصد غزل، چند قصیده و مقداری مثنوی و رباعی در دست نیست^۱. خواجه اساساً غزل‌سراست و به همین دلیل، قصاید و مثنوی‌های او غالباً نادیده انگاشته می‌شود.

سرمشق او در غزل‌سرایی بیش‌تر سعدی شیرازی، کمال اصفهانی، سلمان ساوجی، خواجه‌ی کرمانی است. اغلب غزل‌های حافظ ظاهراً بر همان وزن و قافیه و مضمونی سروده شده است که استادان پیشین طبع آزمایی کرده بودند. اما این شباهت ظاهری هرگز به آن معنا نیست که شاعر فرزانه‌ی شیراز به مانند مقلدان بی‌ابتکار در دایره‌ی تکرار و دنباله‌روی از دیگران اسیر مانده است. حافظ غزل فارسی را به آن درجه از کمال رسانیده که پس از او همه‌ی قریحه‌آزمایان در برابر والایی و کمال هنری سخنش اظهار درماندگی کرده‌اند. شاید به همین اعتبار است که برخی او را خاتم شعرای ایران می‌دانند و برآن‌اند که پس از او سخن‌پارسی رو به انحطاط و زوال رفته است.

لحن حافظ گزنده و تلخ و توأم با نیشخند و کنایه‌آمیز است و در آن مایه‌ای از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی هم دیده می‌شود. گویی حافظ پس از سیف فرغانی و عبید و ابن‌یمین، بارندی و هوشیاری و فرزانگی خویش شیوه‌ی تازه‌ای برای مبارزه با نابه‌سامانی‌ها و بداخلاقی‌های جامعه برگزیده است که به مانند بیان شاعرانه‌ی او تازگی دارد.

پیشینیان در غزل یا عاشقانه می‌گفتند یا عارفانه، اما حافظ راهی را از این میانه برگزید و آن تلفیق و ترکیب عشق و عرفان و دست یافتن بر شیوه‌ای است که تا عصر او سابقه نداشته یا اگر داشته، هرگز به این زیبایی و کمال و ارزشمندی نبوده است.

در غزل اجتماعی حافظ، فرهنگ گذشته‌ی ایران با همه‌ی کمال ایرانی اسلامی خود رخ می‌نماید. گویی حافظ در تلفیق دو فرهنگ ایران و اسلام به مانند استاد و حکیم فرزانه‌ی توس، ابوالقاسم فردوسی، به توفیق بیش‌تری دست یافته است. حافظ هم بی‌شک

(۱) از دیوان حافظ چاپ‌های متعددی در دست است و مشهورترین آن‌ها چاپ‌هایی است که به اهتمام

علامه محمد قزوینی و قاسم غنی و سپس به کوشش پرویز خانلری انتشار یافته است.

مانند فردوسی در عرصه‌ی سخن و فرهنگ ایران پهلوانی بی‌همتاست که وقتی قرار بوده است بسراید، مضمونی بهتر و لازم‌تر از حماسه‌ی انسان عصر خود نیافته و همان را با صداقتی بی‌مانند در عرصه‌ی شعر خویش به نمایش گذاشته است.
در این جا نمونه‌ای از شعر او را می‌آوریم.



اثر محمدی تبار

کلیک خیال انگیز

کی شعرتر انگیزد خاطر که حزین باشد
یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد
از لعل تو گر یابم انگشتی زنه‌ار
صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد

غمناک نباید بود از طعن حسود، ای دل
شاید که چو وابینی، خیر تو در این باشد
هرکو نکند فهمی زین کلمک خیال‌انگیز
نقشش به حرام ار خود، صورتگر چین باشد
جام می و خون دل هریک به کسی دادند
در دایره‌ی قسمت، اوضاع چنین باشد
در کار گلاب و گل حکم ازلی این بود
کاین شاهد بازاری، وان پرده نشین باشد
آن نیست که حافظ را رندی بشد از خاطر
کاین سابقه‌ی پیشین تا روز پسین باشد

جامی، شیخ جام

عبدالرحمان که بعدها به نورالدین هم ملقب گردید و تخلص جامی را برای خود برگزید، به سال ۸۱۷ در ناحیه‌ی خرجرد جام دیده به جهان گشود. در کودکی به همراه پدر به هرات رفت و چندی در مدرسه‌ی نظامیه‌ی آن جا اقامت گزید.

هرات در آن سال‌ها پایتخت هنر و ذوق و ادب ایران و یکی از شهرهای فرهنگی آبادان و پررفت و آمد آن سامان بود. سلطان حسین بایقرا و وزیر دانشمندش، امیر علیشیر نوایی، در آن شهر مشوق و حامی هنرمندان و صاحبان ذوق بودند. جامی فنون ادب و دانش‌های شرعی و دینی را در آن شهر فراگرفت و پس از آن به حکمت روی آورد.

او در شصت سالگی به قصد زیارت خانه‌ی خدا از خراسان بیرون آمد. مدتی در بغداد ماند و از آن جا به کربلا و نجف رفت و چندی نیز در حلب و دمشق ماند. او در این سفر، با پیشنهادهای زیادی از جانب شاهان برای اقامت و ملازمت درگاه روبه رو شد اما هیچ‌یک از آن‌ها را نپذیرفت و سرانجام به هرات بازگشت.

در این سال‌ها جامی دیگر به چنان شکوه و مرتبه‌ای معنوی دست یافته بود که سلطان حسین و امیر علیشیر به دوستی با او افتخار می‌کردند. نورالدین عبدالرحمان جامی سرانجام در محرم سال ۸۹۸ در هرات درگذشت.

آثار جامی

الف - دیوان، کامل او به مناسبت سه دوره‌ی مشخص حیاتش به سه بخش تقسیم شده است.^۱

ب - هفت اورنگ، که به مراتب از دیوان او ناب‌تر و زبده‌تر است^۲ و مثنوی‌های زیر را شامل می‌شود:

سلسله‌الذهب، در ذکر حقایق عرفانی؛
سلامان و ابدال، منظومه‌ای تمثیلی حاوی اشارات اخلاقی و عرفانی؛
تحفة الاحرار، در پند و نصیحت همراه با حکایت‌ها و تمثیل‌های زیاد؛
سبحة‌الابرار، در ذکر مراحل سلوک و تربیت نفس؛
یوسف و زلیخا، نظم داستان مشهور یوسف و زلیخا که مختصر آن در قرآن هم آمده است؛
لیلی و مجنون، داستان معروف لیلی و مجنون که نظامی هم آن را به نظم درآورده است؛
خردنامه‌ی اسکندری، در ذکر موعظه و نصیحت از زبان فیلسوفان یونان.
آثار منشور جامی به مانند آثار منظوم او متعدد و گوناگون است که در این جا به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

بهارستان، شامل باب‌ها و حکایت‌هایی است به نظم و نثر به تقلید گلستان سعدی؛
نفحات الانس، در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان تا عهد مؤلف؛
لوايح، رساله‌ای کوتاه شامل سی لایحه با نثری مسجع و شامل حقایقی از عرفان؛
اشعة‌اللمعات، در شرح و توضیح لمعات فخرالدین عراقی.
جامی در مثنوی‌هایش از نظامی تقلید می‌کرد؛ هفت اورنگ را دقیقاً در برابر خمسه سرود. با بهارستان خواست در برابر سعدی دعوی نویسنده‌گی کند اما در هر دو مورد، مثل بسیاری از هم‌طرازان خود از حد مقلدی موقف پا فراتر نگذاشت.
در این جا، برای آشنایی بیش‌تر شما با سبک شاعری جامی، سروده‌ای از تحفة الاحرار را نقل می‌کنیم.

(۱) دیوان کامل جامی را هاشم رضی در تهران چاپ کرده است.

(۲) هفت اورنگ به کوشش مرتضی مدرس گیلانی در تهران به چاپ رسیده است.

عشق

سلسله بر سلسله سودای اوست
آتش دل‌های کباب است عشق
کای شده مستغرق دریای عشق،
عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
گفت که : ای محو امید و هراس،
اوّل و آخر همه عشق است و بس.

عشق که بازار بُتان جای اوست
گرمی بازارِ خراب است عشق
گفت به مجنون صَنمی در دمشق
عشق چه و مرتبه‌ی عشق چیست؟
عاشق یک رنگ و حقیقت‌شناس
نیست بجز عشق در این پرده، کس



خودآزمایی‌های نمونه

- (۱) درباره‌ی تأثیر قرآن و معارف آن بر ذهن و زبان حافظ توضیح دهید.
- (۲) در دیوان حافظ مقصود از محتسب کیست و چرا حافظ وی را به این نام خوانده است؟
- (۳) در مورد لحن حافظ و شیوه‌ی مبارزه‌ی او با نابه‌سامانی‌های جامعه توضیح دهید.
- (۴) درباره‌ی نحوه‌ی نگاه و نگرش حافظ به زندگی توضیح دهید.
- (۵) غزل‌های اجتماعی حافظ چه ویژگی‌هایی دارد؟
- (۶) یک غزل از حافظ و سعدی را با هم مقایسه کنید و درباره‌ی سبک، زبان و درون‌مایه‌ی آن دو گفت‌وگو کنید.
- (۷) اشعة‌اللمعات از کیست و موضوع آن چیست؟
- (۸) کدام اثر جامی به پیروی از گلستان سعدی نوشته شده است؟

خودآزمایی‌های نمونه‌ی بخش اول

- (۱) سبب تشمت و پراکندگی فرهنگی در زمان حکومت ایلخانان چه بود؟
- (۲) پیامدهای فتنه‌ی مغول را در فکر و اندیشه و زندگی اجتماعی بنویسید.
- (۳) علت آزادی مذاهب در عصر حافظ چه بود؟
- (۴) تقلید در شعر عصر حافظ چگونه جلوه‌گر شده است؟
- (۵) دو شاعر توانا در زمینه‌ی طنز و انتقاد اجتماعی از عصر حافظ را نام ببرید.
- (۶) حدیقه‌ی سنایی با کدام اثر فخرالدین عراقی هم وزن است؟
- (۷) موضوع کتاب لمعات عراقی چیست؟
- (۸) اشعة‌اللمعات از کیست و در چه زمینه‌ای است؟
- (۹) درباره‌ی تأثیر خواجه‌ی کرمانی بر سبک حافظ توضیح دهید.
- (۱۰) مناظره‌های خواجه‌ی کرمانی را نام ببرید.
- (۱۱) موضوع قصیده‌های ابن‌یمین چیست؟
- (۱۲) این توضیح درباره‌ی کیست؟ «شاعر و نویسنده‌ی طنزپرداز و شوخ‌طبع سده‌ی هشتم که در قزوین زاده شد.»
- (۱۳) طنزهای عبیدزاکانی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱۴) پیام دو بیت زیر از سیف فرغانی را بیان کنید.
من نی‌ام شاعر که مدح کس کنم هر شاه را
از برای حق نعمت پسند دادم این قَدَر
خیر و شرّ کس نگفتم از هوای طبع و نفس
مدح و ذمّ کس نکردم از برای سیم و زر

۱۵) مثنوی‌های هفت اورنگ جامی را با ذکر موضوع هریک نام ببرید.
۱۶) دو نمونه از بهترین نسخه‌های دیوان حافظ و شرح‌های نوشته‌شده بر آن را نام ببرید.

پژوهش

□ مفهوم «رند» در شعر حافظ.



بخش دوم

عصر خواجه رشید الدین

درآمدی بر عصر خواجه رشیدالدین یا دوره‌ی اوج تاریخ‌نویسی

مغولان با همه‌ی تباہکاری‌ها و ویرانگری‌های خود در قلمرو تاریخ، نتوانستند خویش را از زبان فارسی بی‌نیاز ببینند. آنان نیز همچون فاتحان غزنوی و سلجوقی – که بیگانگانی دارای زبان و فرهنگ دیگر بودند – عملاً نتوانستند برای جولان زبان فارسی محدودیتی پدید آورند. از این‌رو در بحبوحه‌ی خون‌ریزی‌های مغول و یورش‌های بی‌رحمانه‌ی تیمور در همه‌ی شهرها و مراکز فرهنگی واقع در مسیر این مهاجمان، کتاب‌هایی به‌ویژه در زمینه‌ی تاریخ تألیف شد. تاریخ‌نویسی در عصر حاکمیت مغول و تیمور به دو دلیل عمده رونق گرفت؛ نخست این که مغولان و تیموریان به‌ویژه شخص تیمور به تثبیت و ضبط وقایع و کشورگشایی‌ها و باقی‌نگه‌داشتن نام و آوازه‌ی خویش از این راه بسیار علاقه‌مند بودند و به همین دلیل، مورخان را حمایت و تشویق می‌کردند. دیگر آن که برخی از فرزندان ایرانی، از بیم آن که مبدا ارزش‌های فرهنگی و تاریخی ایرانیان دستخوش حوادث شود و از میان برود و هم برای آن که مظلومیت این ملت در اوراق تاریخ به ثبت رسد، به نگارش جریان وقایع گذشته و حال اقدام می‌کردند و از شوق و رغبت ایلخانان برای ارضای حس نام‌جویی خویش سود می‌بردند.

در عصر خواجه رشیدالدین همان شیوه‌های نویسندگی دوره‌های قبل ادامه پیدا کرد. نویسندگان متکلف از به‌کار بردن واژه‌های ترکی که در اثر حضور و حکومت بیگانگان در فضای فرهنگ و تاریخ ایران رو به فزونی بود، روی گردان نبودند. بنابراین، میزان استفاده از واژه‌های بیگانه‌ی ترکی که از دوره‌ی پیش آغاز شده بود، افزایش یافت. البته وجود

پاره‌ای واژه‌های ترکی در زبان فارسی نمی‌توانست فارسی‌زبانان را با مشکل عمده‌ای روبه‌رو سازد؛ به‌خصوص که بیش‌ترین واژه‌ها بعدها فراموش شد و از قلمرو زبان فارسی رخت بریست.

تأثیر زبان عربی به مراتب بیش‌تر از این بود؛ زیرا لغات و تعبیرات زیادی از عربی به فارسی راه می‌یافت و ساختمان دستوری این زبان هم کمابیش در زبان فارسی تأثیر می‌کرد. به‌ویژه، در دوره‌ی صفویان که بر اثر اختلاف شدید حکومت شیعه مذهب صفوی با دولت سنی عثمانی بسیاری از علمای شیعه از مراکز متعدد قلمرو آن دولت – جبل عامل لبنان و شام و عتبات (شهرهای نجف، کاظمین، کربلا و سامرا) – مجبور به مهاجرت به ایران شدند و بیش‌تر آن‌ها هم در اصفهان، – پایتخت آن روز شاهان صفوی – استقرار یافتند موجی از عربی‌مآبی پیدا شد.

با این همه، اثر ناخوشایند زبان ترکی و عربی در فارسی بلافاصله ظاهر نشد و در قلم و زبان همه‌ی نویسندگان نیز یکسان نبود. چنان‌که در عصر خواجه رشیدالدین، کتاب‌هایی گوناگون و نسبتاً استوار در زمینه‌های مختلف پدید آمد و میراث گران‌بهای زبان و ادب فارسی را غنی‌تر ساخت.

تاریخ جهان‌گشا – از میان رجال خاندان جوینی، علاءالدین عظاملک جوینی به دلیل تألیف تاریخ جهان‌گشا در ادبیات ایران امتیاز شایان توجهی کسب کرده است. عظاملک به سال ۶۲۳ هـ. در اوج ویرانگری‌های قوم مغول متولد شد و به دلیل آن‌که پدرش، بهاءالدین محمد، از رجال بانفوذ دستگاه حکومت بود، از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و به جمع نزدیکان امیر ارغون درآمد و در سفرهای زیادی همراه او بود. او در این سفرها اطلاعات زیادی درباره‌ی مغولان و سرگذشت و کارهای چنگیز و جانشینانش گرد آورد و مطالب اساسی تألیف ممتازش از همین راه فراهم آمد.

عظاملک در سال ۶۸۱ هـ. درگذشت. مهم‌ترین اثر تاریخی و ادبی او همان تاریخ جهان‌گشاست در شرح ظهور چنگیزخان و احوال فتوحات او و تاریخ خوارزمشاهیان و فتح قلعه‌های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح.

نثر جهان‌گشا مصنوع و دشوار و در همان مسیر کلی نثر فنی فارسی در سده‌ی هفتم

هجری است و در آن لغات عربی و واژه‌های مغولی زیادی به کار رفته است. البته جوینی در عین کاربرد صنایع ادبی از معنا و محتوا نیز غافل نمانده است. کتاب او روی هم رفته در زمره‌ی بهترین متون تاریخی بازمانده از عصر مغول و از جمله کتب مهم نثر فارسی شمرده می‌شود.

جامع التواریخ

یکی از چهره‌های علمی و سیاستمدار در عصر ایلخانان خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی است که تا مرحله‌ی وزارت و تدبیر امور مهم مملکت نیز پیش رفت. او در زمان وزارت و اقتدار خود در عصر غازان خان و اولجایتو قدم‌های فرهنگی و عمرانی بسیاری برداشت که از آن جمله تأسیس مجموعه‌ی علمی - فرهنگی رنج رشیدی در تبریز بود. خواجه در آغاز کار ابوسعید بهادر هم در سمت خود باقی بود تا این که بر اثر تحریک بعضی از رجال و مخالفت عده‌ای از امرای مغول با وی، سرانجام در سال ۷۱۸ هـ. به امر ایلخان مغول کشته شد.

از خواجه رشیدالدین علاوه بر بنیادها و مؤسسات فرهنگی، آثار و نوشته‌های زیادی برجای مانده است که مهم‌ترین آن‌ها جامع التواریخ است که تألیف آن در سال ۷۱۰ هجری به پایان رسید.

این کتاب با نثری پخته و عالمانه نوشته شده و اگر از پاره‌ای لغات ترکی و مغولی که در روزگار او و در دستگاه اداری مغولان رایج بوده است بگذریم، نثر خواجه به سبب سادگی و استحکام آن قابل توجه و از نمونه‌های سالم نویسندگی در سده‌ی هشتم هجری است و برای تاریخ‌نویسان بعدی سرمشق به حساب می‌آید. خواجه بهتر از هر نویسنده‌ای توانسته است اوضاع اجتماعی و باورها و خلیقات زمانه‌ی مغولان را در کتاب خویش منعکس کند.

خودآزمایی‌های نمونه

۱) دلایل رونق تاریخ‌نویسی را در دوران حاکمیت مغول و تیمور بنویسید.

۲) شیوه‌ی نویسندگی در عصر خواجه رشیدالدین چگونه بود؟

- ۳) درباره‌ی ویژگی نثر تاریخ جهان‌گشا توضیح دهید.
- ۴) جامع‌التواریخ از نظر نوع نثر چه ویژگی‌هایی دارد؟
- ۵) تاریخ جهان‌گشا را از نظر نوع نثر و سبک نویسندگی با تاریخ بیهقی مقایسه کنید.
- ۶) موضوع تاریخ جهان‌گشا چیست؟

پژوهش

□ مقایسه‌ی سبک نثر دوره‌ی خراسانی با نثر دوره‌ی خواجه رشیدالدین.